

نقش بازی

در

تعلیم و تربیت



یکی از مهم‌ترین و درعین حال بغرنج‌ترین مسائل تعلیم و تربیت کودک، تشکیل گسروه بازیکنان و مشخص ساختن شخصیت هریک از کودکان درگروه است. بغرنجی این مسئله در خصلت دوگانه امیال کودکان و روابط کودکان با یکدیگر است. کودک که با شوق و ذوق سرگرم اجرای نقش خویش است، حس واقع بینی اش را از دست نمی‌دهد. درک می‌کند که او ملوان حقیقی نیست و دیگری نیز ناخدای واقعی نیست بلکه رفیق اوست. در اینحال ضمن ادای احترام ظاهری به فرمانده خود ممکن است احساسات دیگری نیز مانند نگاهش ورشک به او دست دهد. ولی هرگاه بازی سخت مشغولش سازد و عمیقاً در نقش خود فرو رود، آنوقت هیجانان بازی برحس خود خواهیش فایق خواهد آمد. وظیفه مربی، پرورش احساسات و انگیزه‌های نیک در کودکان است که از روی نمونه‌های زندگی و کار و کوشش افراد برجسته و سرشناس انجام می‌پذیرد.

هنگام تشکیل بازی مسائل دشواری در مقابل مربی قرار می‌گیرد: هر یک از کودکان خواهان ایفای نقش اصلی بازی است، ولی همه نمی‌توانند از عهده این کار برآیند. از اینروانتخاب مستلزم دقت فراوانست. ضمناً همه کودکان را باید فعال ساخت و استعداد سازمانده‌شان را رشد و پرورش داد. برای مثال هنگامیکه کودکان بخیال "سفر دریائی" می‌افتند، داوطلب ایفای نقش کاپیتان زیاد است. مربی با استناد سه داستان‌هایی که برایشان خوانده است یاد آور می‌شود که در کسینی شغل‌های حالب دیگری مانند معاون ناخدا، تلگرافچی و راهنمای کسینی و غیره وجود دارد و از آنها باید بیرسد که این نقشها به چه کسانی واگذار شود. ضمناً "کودکان

نیز، بیادشان خواهد آمد که در کسینی آشپز بزرگ و پرستار نیز لازمست. لابد یکی هم که دوستدار داستان و قصه و کتابت می‌پرسد: "آیا در کسینی کتابخانه هم هست؟" بایسن ترتیب برای همه نقشی دلخواه پیدا می‌شود. مربی کار بر مسئولیت ملوانان و افتخارات آنها را به کودکان گوشزد می‌کند و این نقش نیز حالب و دلخواه می‌گردد.

هدایت بازی بویژه پس از شروع و اجرای بازی برای مربی دشوار است. تا زمانی کسه گفتگو درباره موضوع بازی جریان دارد و کودکان هنوز اجرای نقش‌ها را آغاز نکرده‌اند، مربی می‌تواند نظر مشورتی خود را بدهد، بشرطی که درانده بازی تعبیری پیدا نشود. ولی دخالت غیر محتاطانه مربی هنگام اجرای نقش کودکان ممکن است نقشی را که کودک در حال خود پرورانده است برهم زند. هرگاه مربی با درک ایده کودکان و خواسته‌های آنان بخواهد چیز حالبی ببازی اضافه کند و یا جهت تازه‌ای به آن بدهد باید خودش نیز در بازی نقشی بعهده بگیرد و مثل یکی از بازیکنان پیشنهاد خود را برای همه مطرح سازد.

مثلاً در "فرودگاه" دو "هوابیما" نشسته است و مسافران بدون رعایت نظم بطرف هردو هوابیما می‌روند. در اینجا مربی در نقش مسافر می‌برسد: آقای رئیس، زمان سوار شدن هریک از هوابیماها راجه کسی اعلام می‌کند؟ و کدام از هوابیماها سبهر اصفهان پرواز می‌کند؟ رئیس منظور سؤال کننده را درک می‌کند، دفتوری برای اعلام پروازها تشکیل می‌دهد، مسئولش رانعیین می‌کند و تصمیم می‌گیرد که نخست کدام هوابیما پرواز کند. باین ترتیب سوار شدن به هوابیماها تحت نظم درمی‌آید.



هنر سازماندهی این کودکان را بسود و سود سرفروشان کمک کرد و در عین حال سادگی فروتنی، روح احساس مسئولیت و احترام بسد دیگران را در آنها پرورش داد.

هنگام بازی لحنانی بیانی می آید که مری باید دقت و همتی از خود نشان دهد. مثلا "گاهی ضمن بازی میان کودکان اختلافات و ماتسهای رخ می دهد که حتی بد فتر هم کشد می شود. بزور حسن حالایی علل کوساکون دارد و ضمنا " مناسبت با رسید کودک نوع اختلافات و مناسبات نیز تغییر می کنند. کوحکیرها اکثرا " بر سر صاحب اسباب بازی با هم تهر می کنند و مری با دادن عروسک و بنا بار حده" دیگر با سانی آنها را آسبی می دهد. در سنن بالاتر مناسبات در نتیجه سوتفاهمات بوجود می آید. مثلا " دودختر حسد در کودکان سرگرم عروسک سازی هستند. بکسی عروسکها را می خواند و دومی آنها را بر می - دارد و سوار با سنی می کند. و کار بد مناسبت می - کند. در اینجا مری برای اولی بوضوح می دهد

مری با سازماندهی درست بازی، بهر یک از کودکان امکان می دهد تا جای خود را در بازی بساید و عضو فعال آن جمع باشد. ضمن بازی با هر کودکی باید بطور انفرادی تماس داشته باشد حتی اگر رضایرسان در بازی همکوبه نکرانی برای مری در بر نداشته باشد. بوزر نسبت بکودکان کمرو و ححول که بیمن سب بی ابتکار بنظر می رسند، باید دقت و بوجه لازم مبدول داشت. ما بطور قطع مخالف بنسبم کودکان بد گروههای فعال و غیر فعال هستیم. اکثرا " دلیل غیر فعال بودن کودک این است که بد زندگی جمعی در گروه عادت نکرده و بررکسالان نیز در آن مورد با و کمک نکرده اند. نمونههای بسیاری دیده شده که هرگاه حسن کودکی مورد توجه قرار گیرد بزودی فعال شده و خلافت و استعداد سازماندهی سکوفا می گردد.

کار با کودکان برحریک، حسود وجود حواه برای مریبان دشوار است. این کودکان اکثرا " اداره کننده و حرجاننده بازیها هستند و دیگران با میل و رغبت از آنها حرف شنوی دارند. باید

و متصل کنند. گاهی نیز بکومکوهای کنجکاواندای میان کودکان بیش می آید، مثلا " اینکده قهرمان بازی رفتار " راست راستگی " اش چگونه است و با اتومبیل کجا و چگونه ساخته می شود. چنین مباحثاتی برای دقیق تر شدن تصورات آنها و رشد حس کنجکاوی در آنها لازم است.

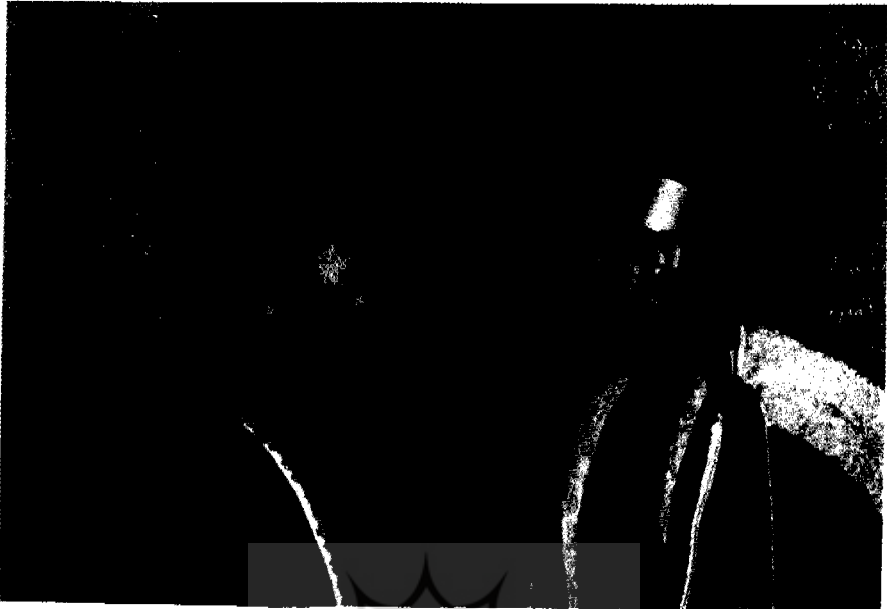
کودکان را باید به بازیهای جمعی جلب کرد. این کار راجحان باید کرد که این بازیها براساس بساطر حالب و خوش آیند باشد. اما درعین حال نباید از بازی انفرادیستان بکلسی حلوو کسری کسرد. حتی کودکان خوش مرب، درسنن مختلف نیز گاهی میل پیدا می کنند که چیزی بسازند و با با ماشین یا بازیچه دیگری به تنهایی بازی کنند. بازیهای انفرادی بویژه برای کودکان زود رنج که از بودن در جمع ناراحتند سودمند است. بسیار دیده شده است که کودک مدت زیادی با حواس جمع سرگرم ساختن چیزیست و با درستی کارگردان، صحنه ای ترتیب داده و

که دوست تو ذکر خوبی سرش آمده و می خواهد عروسکیها را بدسبلاق ببرد. فرار می گذارند که اول " بچه ها " را بخوابانند و بعدا " به سبلاق ببرند.

کودکان پنج - شش ساله در بازیهای جمعی بحبه نرنند. آنها می توانند فکرشان را بسرای دوستانسان توضیح دهند. با وجود این دریک گروه خوب سازمان یافته نیز ضمن بازیهای جمعی گاهی اختلاف بروز می کند. در سن پنج - شش سالگی در کودکان بتدریج عزت نفس بنید کسند و رسد می یابد که نباید راه داد تا به خودسائی وجود بررسی مبدل شود.

ممکن است اختلاف بر سر موضوع بازی، بر سر تقسیم نقش ها، بر سر دست بردن در موضوع بازی و افزودن نسیبتهائی جدید بآن و... بروز کند. بدینجی است که رهبری دنسو و هوسارانده مری بد حل و فصل سریع حسن اختلافاتی کنک می کند. آموزگار بتدریج بی آورد که کودکان خودسان باید اختلافات میان خود را حل





آسیزها خوراکیها را بچینند . مهندسان سفینه نوآوریهای بسیاری ارائه دادند . همه اینکارها را کودکان مستقلانه انجام دادند و فقط حین کار با مربی مسورت می کردند . اما این استقلال سازندگی و سازماندهی ثمرهٔ معلوماتیست که آنها ضمن مسعولیات و بازی از مربیان آموخته بودند .

مربی کارهای مقدماتی زیادی جهت تهیه بازی انجام می دهد و بعداً " نیز برکسپرشن موضوع ، شکل همکاری بازیکنان نظارت دقیق می کند ، مسائل مورد بحث را حل و فصل می کند و با پیشنهادات و توضیحاتش بازی را درستت لازم به جریان می اندازد .

هدایت بازی آن گاه موفقیت آمیز است کید بتوان هرچه بسیر آنرا با سازندگی کودکان مربوط ساخت . کودکان گاهی نسبت به بازیچههای از بسیر آماده ابراز نافریندی می کنند . یکی از اسادان معدد بود کد بازیچههای ساحب خود

بحای همه " هنریشکان " سخن می گوید . بازیهای انفرادی به مربی درسناائی خصوصات کودک و یابن راه نزدیک شدن به او بازی می رساند .

رهبری بازیهای کودکان در گروههای سنی مختلف ، متفاوت است . در گروه کوچکترها مربی بازی را تشکیل می دهد و گاهی خودتسر در آن شرکت می جوید تا بکودکان نمونه نشان دهد و آنها را به بازیهای جمعی علاقه مند سازد و طرز نگاهداری از بازیچهها را به آنها بیاموزد . در گروه بزرگترها ، با اینکه مربی در انتخاب بازی و سازماندهی آن بکودکان استقلال می دهد تعالبت و مسئولیتش کم نیست و درست این استقلال کار برتلاسی و دخیی او نیفته است .

(چندین روز کودکان سرگرم بازی سرور فضائی بودند . میدان برنات سفینه و مسویک ساختند . دسه فضانوردان برتئات لازم را انجام دادند . برتکان آنها را معاسد کردند و

کودک صاحب همه؛ اسباب بازیهای خود در خانه است، عروسکها و خرسکها و اسبک‌ها را نامگذاری می‌کند. اما در کودکان برای بحسن بار به بازیهای متعلق به جمع برخورد می‌کند و بیدرجه عادت می‌کند که با آنها با احتیاط رفتار کند و از آنها مراقبت و مواظبت کند.

در گروهیهای مختلف در کودکان نوع بازیها بر حسب سیرت علائقهای کودکان به بازی معبر می‌کند. کوچکترها معمولاً دارای بازیهای یکجور، اما با ابعاد گوناگون بریسات مختلف اند. زیرا بازیهای مختلف دلب‌خندانرا برانگیزد و مانع تمرکز تحیل آنها بر روی یک موضوع معین بازی می‌-

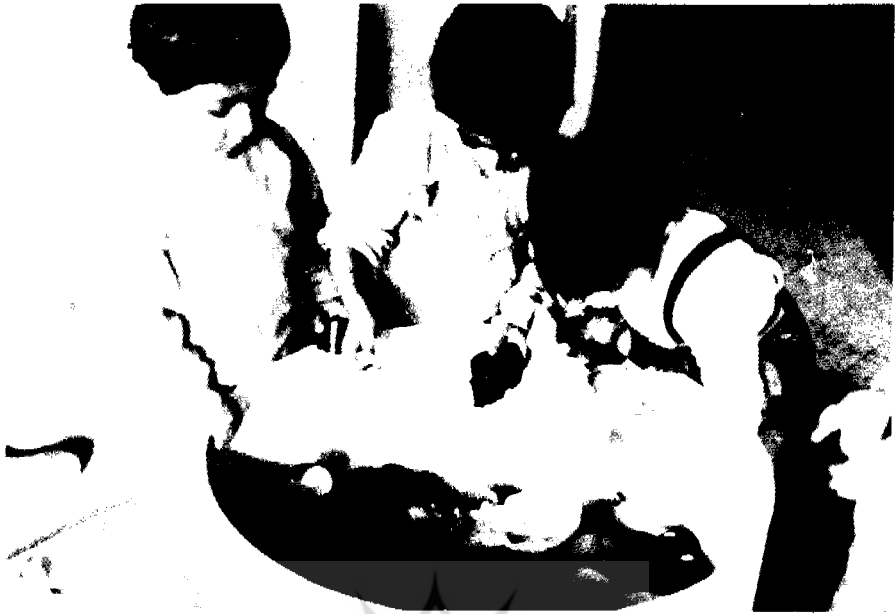


۴؛ لطفاً ورق برد

کودکان برای بیاده کردن ایده‌هایشان بهترین بازیچه‌هاست. به همین جهت است که در کودکان، مصالح ساختمانی مورد علاقه؛ گروه کودکان بزرگتر است. آنها از این مصالح، خانه، کشتی، هواپیما و ماشینهای گوناگون می‌سازند.

حرفان درست کردن وسایل بازی خود یکی از مراحل بازی محسوب می‌گردد که در آن فعالیت و استقلال کودک بطرز کاملتری ظاهر می‌شود. باید کودکان را عادت داد که از همان سنین مانع وسایل بازیهای خود را خودشان تهیه کنند. مثلاً هنگامیکه کودک می‌خواهد روز تولد عروسک را جشن بگیرد، مربی بوسه می‌کند که سربتی و شکلات حسن را خود کودک تهیه کند و با او طرز تهیه آنرا از مواد نرم پلاستیکی می‌آموزد. کودکان پنج - شش ساله می‌آموزند که اسباب بازیهای خود را از مقوا، چوب و چیزهای دیگری که در خانه فراوان است از مثل چینه‌مناهی فرزه خالی، سی مانده بازیچه‌ها و غیره بسازند. در تابستان، کودکان زیر نظر مربی از مخروط کاج و ساجد و پوست درختان، خردها و غیره وسایل بازی تهیه می‌کنند. سازندگی استکار کودکان را رسد می‌دهد و بازی را برده‌گویی می‌سازد.

در تربیت کودک ضمن بازی، اسباب بازیچه‌ها، طرق صحیح استفاده و نگاهداری از آنها اهمیت بسیار دارد. برای بازیهای استکاری بس از همه، آدمک‌ها، شکلک‌های حیوانات بازیچه‌های ماشینی و اسباب خاند بکار می‌آید. اسباب بازی در کودک هوس بازی و وساطت‌ندند می‌آورد، دختر بچه هنگامیکه عروسکی در علف دارد خود را مادر واقعی احساس می‌کند و لذت می‌برد. کودکان با شکلک‌های حیوانات، ساجد و چیزها سرگرم می‌سازند.



کنند، کستی یا هوایس می سازند. بس از پایان بازی همه اسبابها را جمع کرده و در جابجایی می گذارند. گاهی نیز باید به آنها اجازه داد که ساخته‌هایشان باقی بماند تا فردا مثلاً "مسافرتی" را که آغاز کرده بودند ادامه دهند. هرگاه کودکان منتظر بازی جالبی باشند یا طلب خاطر به کودکان خواهند آمد.

بسیاری از بازیها در هوای آزاد بهتر جریان می یابد، زیرا در هوای آزاد امکانات بیشتری برای حرکات و گسترش خیالیها و خود دارد. تجرید نشان داده است که در همهٔ وصول سال می توان در میدان کودکان بازیهای ابتکاری مختلف اجرا کرد. کودکان از بخت و جعبه و چیزهای محکم دیگر ماسینه‌های بزرگ و کسینهایی می سازند که همه اسباب - بازیها در آنها جای داده می‌شوند. در زمستان از برف و در تابستان از شن بناهای جالبی می -

گردد. با بزرگ شدن خردسال بازی از ساده بمرکب سر می کند و بدین سبب بازیچه‌های گوناگون طلب می شود. اکنون بجای چوبد خرسک یا اسبک یکجور، انواع واتسام حیوانات مختلف که بتوان با آنها بازی باغ وحش و یا سیرک را اجرا کرد لزوم پیدا می کند. و نیز آدمکها و عروسکهای مختلف بمنظور تحسین پیش آهنگ، سرباز، ملوان و غیره لازم می - آید. ضمناً اسباب بازیها نباید جذابیت خود را از دست بدهند، بدین منظور باید به تناوب با بازیچه‌های نو عوضی شوند. سری از بازیچه‌های جدید برای برانگیختن شور و سوق کودکان بیازی استفاده می کند.

اسباب بازیها را باید در جای منحصی در دسترس کودکان فرار داد. کودکان در ساعات بازی معمولاً تمامی اطاق را اشغال می کنند؛ بعضی پشت میزها با اسباب بازیهای کوچکشان می نشینند، برخی روی زمین خط آهن می -

شود."

و در برنامه گروههای خردسال برای مثال می-

توان چنین ذکر کرد:

"برای بازی آسیزی ظروف واجاق در اختیار بچهها گذارده شود (بچهها با کار آسیزی آشنا شدهاند) ، یکودگان آموخته شود که قبل از بازی باید هدف بازی مشخص گردد و برای اینکار پیش از شروع بازی پرسیده شود: " بچهها حالا کدام بازی را شروع کنیم؟ برای این بازی چه چیزهایی لازمه؟ " کمک به بچهها در تقسیم نقش ها . به نادیا و مریم یاد داده شود که اسباب بازی را بزور از دیگران نگیرند ، بلکه مؤدبانه خواهش کنند و اسباب بازی را بگیرند ."

بازی همیشه ممکن است مسائل غیر قابل انتظاری برای آموزگار پیش بیاورد . از اینرو توصیه می شود که هر مربی برای خودش گزارش روزانه موفقیتها ، دشواریها و کمبودها را تهیه کند و کار اصلاحی فردا را برنامه ریزی کند .

از تمامی گفتههای بالا نتیجه می گیریم که بازی نقش بزرگی در زندگی و رشد خردسالان دارد . اخذ نتایج تربیتی مطلوب از بازی به میزان زیادی وابسته به کاردانی مربی و آموزگار آشنائی او با روحیات و خصوصیات سنی و خود ویژگیهای خردسالان ، رهبری صحیح و مطابق با اسلوب بازیهای گوناگونست .

نائمن خوشبختی کودگان وظیفه ایست مقدس و شریف . برای انجام این وظیفه باید قبل از هر چیز در کودگستانها همه گونه شرایط رشد و پرورش کودک فراهم گردد . باید کودگان را گرمی داشت به آنها توجه کامل نمود ، عاقلانه و ماهرانه در تعلیم و تربیتشان کوشید .

● ترجمه: مهری باباجان

سازند . در کودگستان میز کار با وسایل و اسرار کار برای ساختن اشیاء مورد لزوم وجود دارد . در هوای آزاد می توان آموزشهای نظامی انجام داد ، پاسگاه مرزی و میدان پرتاب سفینه فضائی ساخت .

مسئولان کودگستانها موظفند نسبت به بازی کودگان توجه کامل مبذول دارند و براحرای کامل برنامههای بازی نظارت کنند . برنامه ریزی بازیهای ابتکاری برای مربی خالی از اشکال نیست ، چه ، او نمی تواند از قبل پیش بینی کند که فلان روز هفته کودگان کدام بازی را اجرا خواهند کرد . ولی می تواند روشهای اساسی رهبری بازی و مسائل تعلیم-تربیتی مورد نظر را برنامه ریزی کند . ضمناً چنین برنامه ای بهتر است همیشگی نباشد بلکه برای یک یا دو هفته در نظر گرفته شود .

مسائلی که در " برنامه کلی کودگستان " قید شده باید در برنامه بازی انعکاس یابد و طرق عملی ساختن آنها نیز باید ذکر گردد ؛ پرورش روحیه همکاری دوستانه میان کودگان رشد استعداد سازماندهی ، کار با گروه و با تک تک کودگان ، پر محتوی کردن بازیها (با استفاده از گردش جمعی ، کتاب ، فیلم و وسایل بازی) ، آشنایی با کار و سازندگی . در برنامه گروهها مسائل کلی فوق شکافته شده و تشریح می گردد .

مثلاً " در گروه کودگان شش ساله می توان نوشت: " کمک به تکمیل بازی خلبانان که شروع شده است . برای اینکار داستان پرواز شبانه برای گروه خوانده شود . برنامه این بسازی در میدان بگفتگو گذارده شود . مریم ، علی و کیوان به اجرای نقشهای فعال جلب گردند . برای کارهای سازندگی حعبه ، نخته سه لائی تهیه